

همکاری‌های نظامی، زمینه‌ساز

روابط ایران و روسیه

آناتولی ایوانوویچ گوشر^۱

ما شاهد هستیم که همکاری‌های نظامی ایران و روسیه همچنان ادامه می‌یابد؛ هرچند گاهی از طرف رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر روسیه اعلامیه‌های مبنی بر عدم ارسال سلاح به ایران شنیده می‌شود، اما افراد آگاه می‌دانند که همه این اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌ها به سال ۲۰۰۰ مربوط می‌شود و آنچنان قرص و ممکن نمی‌باشد و برای خیلی‌ها این اطلاعیه‌ها یک بازی سیاسی و یا دیپلماسی محسوب می‌گردد. خیلی‌ها در خود روسیه و خارج از روسیه این کلمات را ناشی از اوضاع سیاسی می‌دانند و این امر نمی‌تواند موجب بی‌اعتباری و یا بی‌اعتمادی در روابط ایران و روسیه گردد و روابط دو کشور همچنان در زمینه همکاری نظامی ادامه پیدا خواهند کرد.

اجازه می‌خواهم از مدیریت مرکز تحقیقات استراتژیک و بین‌المللی روسیه بخاطر این که این امکان را مهیا کرد تا اینجانب بتوانم در این میزگرد شرکت نمایم و دیدگاههای خود را نسبت به مسئله همکاری‌های نظامی ایران و روسیه بیان دارم، تشکر می‌کنم.

شخصاً اعتقاد دارم که برگزاری چنین کنفرانسی با شرکت هیأت نمایندگی همسایه‌گرایی ما جمهوری اسلامی ایران واقعه‌ای بسیار برجسته، امیدبخش و درخشان محسوب می‌شود. البته برگزاری چنین دیدارهایی خیلی وقت پیش یعنی در همان ایام تاریخی ۱۹۷۹ که برای ملت ایران بسیار باارزش بود باید شروع می‌شد. بنظرم اگر چنین می‌شد، می‌توانستیم از خیلی اشتباهات که در ساختار روابط کشورمان با ایران پیش آمد، جلوگیری کنیم و در نتیجه امروزه روابط ایران و روسیه بمراتب عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر بود. اما در آن سالها امکانات امروزی وجود نداشت و از طرفی اوضاع هم کم‌وبیش به شکل دیگر بود هرچند پیشنهادهایی در این زمینه همواره وجود داشت. با این همه متأسفانه تاریخ را نمی‌توان اصلاح کرد؛ اما از تاریخ می‌توان درس گرفت.

۱. آناتولی ایوانوویچ گوشر، کارشناس وزارت دفاع روسیه می‌باشد و این مقاله از طرف وی در میزگرد ایران و روسیه ارائه شده‌است.

تصور می‌کنم که امروز روسیه و ایران این فرصت تاریخی را پیدا کرده‌اند که روابط دوجانبه خود را تا بهترین سطح که منافع هر دو طرف را تأمین کند، گسترش دهند. ضمناً امروزه بسیار مهم است که آن امکانات از دست رفته در روابط دوجانبه را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم و سعی کنیم تا آن شرایط و توهمات را کنار بگذاریم و دقیقاً بر امور نظارت کنیم و به‌طور عینی ظرفیتهای همکاری ایران و روسیه را مورد ارزیابی قرار داده و چارچوب طرح و مکانیزم اجرای آن را در راستای مصالح دو کشور ارائه کنیم. به‌نظر من مهمترین موضوع روابط ایران و روسیه همانا همکاری‌های نظامی بین دو کشور می‌باشد. فکر می‌کنم نیازی به متقاعد کردن حاضرین در این جلسه نباشد که سطح همکاری‌های نظامی بین دو کشور و وضعیت این همکاری‌ها را به قضاوت بگذاریم. این همکاری‌ها، به‌قول معروف واقعیت خشنی است که باید به آن احترام گذاشت. حال چرا اینگونه است، این خود معضل دیگری است. بنده سعی دارم تا در سخنرانی خود، توجه شما حضار را به چند جنبه دیگر این معضل معطوف دارم.

۱. چند ملاحظه نسبت به ویژگی و سطح ارتباطات نظامی بین ایران و شوروی سابق تاریخ روابط ایران و شوروی بخصوص در سالهای بعد از پایان جنگ جهانی دوم برای محققان روشن و واضح است. نیازی وجود ندارد که بخواهیم ثابت کنیم این روابط به حد کافی پایدار و خوب نبوده است.

در سالهای اولیه بعد از پایان جنگ دوم، روابط ایران و شوروی بخاطر حوادث آذربایجان ایران تیره و تار شد. سپس در این رابطه واقعه جبهه ملی مصدق، کودتای نظامی زاهدی و بعضی دیگر از حوادث به یکدیگر گره خورده و رژیم ایران به طرف آمریکایی‌ها کشانده شد و به بلوک نظامی - سیاسی سنتو که توسط آمریکایی‌ها در سال ۱۹۵۴ سازمان داده شد بود ملحق گردید. اما لازم است به نقش و تقصیر مسکو در ارتباط با ایجاد فضای نامساعد در رابطه با تهران در این سالها اشاره کرد و همچنین روند فزاینده حرکت‌های فعالانه و همه‌جانبه آمریکا در ایران را نیز متذکر شد.

رقابت گسترده سالهای بعد از جنگ میان شوروی و آمریکا برای نفوذ در ایران که تا یازده فوریه ۱۹۷۹ یعنی زمان سقوط رژیم محمدرضا پهلوی ادامه داشت به‌نوعی محور تعیین‌کننده اوضاع ژئوپلتیک و نظامی - استراتژیک در خاورمیانه بود.

لابد تمام تحلیلگران و ایرانشناسان روسی که مدتهای طولانی روابط ایران و شوروی و

ایران و روسیه و نیز مسائل ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک خاورمیانه را مطالعه می‌کنند به‌طور کامل نقطه‌نظرها و پیش‌بینی‌هایی که در اتحاد جماهیر شوروی در ارتباط با حضور نظامی آمریکا در ایران و تأثیرگذاری بی‌حد آمریکایی‌ها بر سیاست شاه و همچنین برنامه‌های نظامی محمدرضا پهلوی وجود داشت را بخاطر می‌آورند.

اما امروز می‌توان گفت که این خطر و ترس عملاً در مقایسه با تهدیدهای واقعی که روسیه در سالهای اخیر با آن مواجه است، هیچ بوده است. اما در آن روزها به‌گونه دیگری احساس می‌شد.

لیکن در آن سالها، هنگامی که مجلس رقص و شادمانی توسط آمریکا و اقمار غربی‌اش در ایران برپا شده بود روابط اتحاد جماهیر شوروی با ایران همواره کم‌وبیش حالت آرامش داشته و می‌توان اظهار داشت که همکاری در زمینه نظامی به حرکت خود ادامه می‌داد.

اگر واقعیت را بخواهیم بگوییم باید اشاره کنیم که در یک مرحله معین اتحاد جماهیر شوروی متوجه شد که بهترین وسیله مطمئن برای جلوگیری از کنش بیشتر رژیم شاهنشاهی ایران در زمینه وابستگی سیاسی - نظامی آتی به واشنگتن همانا برقراری همکاری‌های عادی اقتصادی و ارتباطات در زمینه نظامی با تهران است. در یک دوره ایران هم به این نتیجه رسید. بدین سبب میان اتحاد جماهیر شوروی و ایران بعضی همکاری‌های نظامی شکل گرفت و در چارچوب این همکاری‌های نظامی - فنی برای ارتش ایران مقداری سلاح و تجهیزات نظامی، مهمات، تجهیزات مهندسی، اموال نظامی - فنی و غیره ارسال گردید و همچنین کارخانه برای تعمیر تجهیزات نظامی ساخت شوروی احداث شد.

اتحاد جماهیر شوروی به‌طور مشخص وسایل نظامی زیر را به ایران ارسال داشت: بعضی از انواع تجهیزات زرهی (زره‌پوش شناور BTR-۵۰P، تجهیزات نظامی پیاده‌نظام BMP)، توپ، سیستم‌های پرتاب‌کننده BM-۲۱ «گراد»، دستگاه‌های خودرو ضد هوایی ۲-۵۷-CY۳ و ۴-۲۳-CY۳ «شیلکا»، موشک‌های ضد هوایی قابل انتقال مدل «استرلا» دستگاه‌های ضد هوایی ۲۳-۳Y. ایران همچنین تعدادی کامیون‌های نظامی روسی چون اسب و تریلر مخصوص برای جابجایی ادوات نظامی خریداری نمود.

در نیمه دهه ۱۹۷۰ همکاری‌های نظامی - فنی ایران و شوروی حرکتهای مثبتی داشت که این امر در راستای کوشش محمدرضا پهلوی جهت رفع خطری بود که بخاطر کشش بیش از حد به طرف سلاحهای غربی حس می‌کرد و در نظر داشت تا تعادل ژئواستراتژیک در منطقه را برقرار نماید. درست در همین زمان همکاری‌های نظامی - فنی بین دو کشور در زمینه تسلیحات

نظامی- دریایی شروع می‌شود و همچنین اولین گامها در جهت تهیه موافقتنامه فروش تجهیزات زرهی مدرن با ایران برداشته می‌شود.

لازم به ذکر است که میزان سلاح و تجهیزات نظامی ساخت شوروی در مجموع با توجه به تسلیحات ارتش شاهنشاهی قابل توجه نبود، زیرا بیشتر تانکهای ارتش ایران را تانکهای آمریکایی M۴۷ و M۶۰ و تانک چیفتن انگلیسی و همچنین موشکهای ضد هوایی از محصولات آمریکایی و انگلیسی (راپیر و هوک ۳YP) تشکیل می‌داد. هواپیماهای جنگی و حمل و نقل نیروی هوایی ایران به طور کلی از هواپیماهای آمریکایی فانتوم F-۴، F-۵، F-۱۶ و C-۱۳۰ (هرکولس) و بوئینگ شکل گرفته شده بود. در ناوگان دریایی ایران بیشتر کشتی‌ها ساخت کارخانجات آمریکا، انگلستان و فرانسه بود. سیستم مخابرات و هدایت و کنترل ارتش براساس علوم و فنون غربی‌ها ساخته شده بود. آموزش پرسنل ارتش ایران بخصوص در رده متوسطه و عالی توسط شرکت مستقیم مربیان نظامی غرب در خود ایران و یا در کالجها و مراکز آموزشی نظامی غربی‌ها انجام می‌گرفت.

جنبه استراتژیک مشارکت ایران و آمریکا با توجه به وجود قرارداد مربوط به امنیت متقابل و توافقنامه در برنامه‌های اجرایی در ارتباط با دفع «تجاوز از شمال» تعیین می‌شد.

بدین علت در شرایط رقابت شدید و بویژه از نظر استراتژیک روابط ایران شاهنشاهی با آمریکا و غرب در کل برای شوروی سابق برای نفوذ و دستیابی به بازار تسلیحات ایران بخصوص به لحاظ اعتباری (حیثیتی) آن یعنی هواپیماهای جنگی، سیستمهای RBO، الکترونیک نظامی و غیره عملاً غیرممکن بود.

من بخوبی به یاد دارم که در سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۶ با دستور وزارت امور خارجه، سفیر شوروی در تهران می‌بایست پیشنهادهایی در مورد توسعه همکاری‌های ایران و شوروی از جمله در زمینه نظامی را ارائه کند. وظیفه وی آن بود که شاه را متقاعد کند که ادامه وابستگی به صنایع نظامی غرب و تجهیزات نظامی - سیاسی و نظامی - استراتژیک برای ایران مهلک و خطرناک است.

نتیجه این اقدامات تا آنجا که من می‌دانم بسیار کم و ناچیز بود. شاه ایران به قدری به حامیان غربی خود وابسته بود که حتی فکر اینکه در حالت بحرانی از آنها دست بکشد را نمی‌کرد. همه این مطالب نشان می‌دهد که امکان همکاری‌های نظامی با ایران برای شوروی سابق در آن سالها، زمانی که رژیم شاهنشاهی اگر صراحتاً بگویم مسکو را به عنوان یکی از مخالفین حتمی خود در جنوب می‌شمارد وجود داشت.

اما اجرای این امکانات عملاً به علت یک‌رشته عوامل عینی غیرممکن بود. یکی از مهمترین عوامل ترس شاه سابق ایران خارج شدن از زیر چتر آمریکا بود، زیرا وی به آن حمایتها امیدوار بود؛ از طرف دیگر عدم علاقه آمریکایی‌ها به کم کردن میزان وابستگی ایران به غرب قابل فهم بود.

۲. ارزیابی وضعیت همکاری‌های نظامی ایران و روسیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در نتیجه پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا از ایران رانده شد و خیلی سریع اتحاد سنتو نیز لغو گردید و شرایط بسیار مناسب برای گسترش ارتباطات در زمینه نظامی بین ایران و شوروی پیش آمد. این امر بستگی به چندین عامل داشت که مهمترین آنها را می‌توان به این شرح نام برد: کوشش رهبران جدید ایران برای تعدد منابع خارجی خرید سلاح، بروز تهدیدات جدید برای امنیت ملی ایران و همچنین اعلام آمادگی شوروی سابق جهت پُر کردن خلع در بازار اسلحه ایران. لیکن به رغم شرایط مساعد فوق، همکاری نظامی - فنی بین ایران و شوروی و بعداً بین ایران و روسیه چندان حرکتی به طرف جلو نداشت. بنظرم بیشترین تقصیر متوجه شوروی و روسیه می‌باشد هرچند که ایران هم تمامی مساعی خود را برای عملی کردن ظرفیتهای همکاری‌ها به کار نگرفت.

بدین ترتیب بعد از ۱۹۷۹، بخصوص در آغاز جنگ عراق و ایران، رهبری ایران مکرراً درخواست ارسال تعداد معتناهی زره‌پوش (درخواست خرید ۱۰۰۰ تانک هم بود)، هواپیماهای جنگی، سلاحهای توپخانه‌ای - موشکی و غیره را جهت ارتش خود در شرایط پرداخت سریع کرد.

در تمام این سالها اقلام و حجم کالاهای نظامی ارسالی شوروی و روسیه به ایران چندان شایان و قابل توجه نبود. روسیه دو زیر دریایی را که توسط رژیم سابق سفارش شده بود به جمهوری اسلامی ایران تحویل می‌دهد.

از اقلام بسیار مهم برای همکاری‌های نظامی - فنی دو کشور در سال ۱۹۷۸ مجموعه پرتاب موشک «وگا» و «ولگا» و همچنین هواپیماهای جنگی مدرن سوخوی ۲۴ و میگ ۲۹ به ایران را می‌توان نام برد. چه چیزی موجب می‌گشت تا همکاری‌های نظامی شوروی و سپس روسیه با ایران به طور آزاد و مفید انجام نگیرد؟

به نظر من یکی از علل مهم موانع این همکاری‌ها پس از دوران شاه در وهله اول و به طور شاخص وجود ایدئولوژی قوی در پروسه اتخاذ تصمیمات مربوط به تجارت سلاح در روسیه

بود. در این ارتباط مثالهای گوناگون وجود دارد. به طور نمونه بعضی از رهبران ایران به طور ارادی و تقریباً قابل فهم در صدد صدور ایدئولوژی انقلاب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بودند. همان طور که ما هم به این فکر افتادیم مردم شدیم که آیا مناسب است به ایران اسلحه بفروشیم؟ شمای کلی کار بدین صورت درآمد که نمی شود ایران سیاست صدور انقلاب اسلامی را اعلام و پیگیری و سلاحهای مدرن را دریافت دارد؛ همچنین ما هیچ گونه ضمانتی نداریم که در آینده نزدیک این سلاحها در افغانستان یا در نقاط درگیری و نزاع در خاک شوروی سابق و یا خود روسیه پیدا نشود. بدین لحاظ از فروش سلاح به تهران علی رغم منافع اقتصادی می بایست که خودداری می شد و در نهایت تصمیمی اتخاذ گردید.

در نتیجه ایران راه حل دیگری را پیدا کرد. بدین معنا که سلاحهای ساخت شوروی و یا روسیه را از سایر کشورها خریداری می کرد. به عنوان مثال در جریان جنگ با عراق مسئولان ایران از شوروی درخواست خرید چنین سلاحهایی را کردند. در چنین وضعیتی پای کمیته مرکزی حزب کمونیست به میان آمد چون کمیته مرکزی حکمی مبنی بر عدم ارسال سلاحهای تهاجمی به مناطق درگیری و نزاع صادر کرده بود، از طرف دیگر روسیه قرارداد دوستی و همکاری با عراق داشت که به طور طبیعی درخواست ایران کنار گذاشته می شد. اما مجدداً ایران سلاحهای مورد نیاز خود از قبیل موشکهای P-۱۷۶ را از کشورهای دیگر (از جمله لیبی) تهیه می کرد.

یکی دیگر از علل عدم رونق و حرکت همکاری های نظامی ایران و شوروی، سیاست کوتاه آمدن گورباچف و همکارانش در مقابل آمریکایی ها و غرب بود. عدم درک صحیح از منافع ملی و دورنمای ژئواستراتژیک منطقه و انجام هرگونه کوشش برای رضای غرب به هر قیمت و وارد شدن به اتحادیه هفت کشور صنعتی نمی توانست تأثیر منفی بر روابط با ایران نگذارد، با توجه به اینکه در این سالها ایران از طرف واشنگتن و اقمارش تحت فشار بوده است. (امروز هم به نحوی روابط ایران و روسیه بویژه در زمینه همکاری های نظامی تحت تأثیر جنبه های منفی مسئله فوق قرار دارد. در این مورد به طور آشکار همکاری های انرژی هسته ای بین ایران و روسیه که با مخالفت های گوناگون آمریکا مواجه شده است گواه بر این امر می باشد). برای بسیاری از افراد که در وزارتخانه های مختلف روسیه مشغول به کارند و وضعیت را درک می کنند از آن جمله خود بنده ساده نبود مسئولان روسیه را متقاعد کنیم که در حال حاضر می خواهند از روسیه استفاده کنند. بخصوص آنکه در روسیه تعداد فراوانی «کارشناس» وجود دارد که آماده اند برای منافع مربوطه هرگونه تصمیم گیری را توجیه کنند.

ما شاهد هستیم که همکاری‌های نظامی ایران و روسیه همچنان ادامه می‌یابد؛ هرچند گاهی از طرف رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر روسیه اعلامیه‌های مبنی بر عدم ارسال سلاح به ایران شنیده می‌شود، اما افراد آگاه می‌دانند که همه این اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌ها به سال ۲۰۰۰ مربوط می‌شود و آنچنان قرص و ممکن نمی‌باشد و برای خیلی‌ها این اطلاعیه‌ها یک بازی سیاسی و یا دیپلماسی محسوب می‌گردد. خیلی‌ها در خود روسیه و خارج از روسیه این کلمات را ناشی از اوضاع سیاسی می‌دانند و این امر نمی‌تواند موجب بی‌اعتباری و یا بی‌اعتمادی در روابط ایران و روسیه گردد و روابط دو کشور همچنان در زمینه همکاری نظامی ادامه پیدا خواهند کرد.

علل دیگر نیز وجود دارد که به گونه‌ای مانع رشد و گسترش سریع روابط ایران و روسیه می‌گردد. من رجاء واثق دارم که بعد از گذشت زمانی که چندان دور هم نیست بر همگان ثابت خواهد شد که توهمات موجود و آن چیزهایی که به روسیه تلقین می‌شود همه بی‌اساس و بی‌پایه بوده و توسعه روابط ایران و روسیه پاسخگوی منافع طرفین می‌باشد.

۳. آینده همکاری نظامی ایران و روسیه

آینده همکاری نظامی ایران و روسیه چگونه خواهد بود؟ آیا دلایل عینی برای این همکاری‌ها که دارای پایه‌های محکم و استوار است وجود دارد؟

اولاً، ایران کشوری با وسعت زیاد و منابع طبیعی غنی و موقعیت خاص ژئواستراتژیک در منطقه‌ای است که بسیاری از کشورهای جهان در آن دارای منافع می‌باشند. بدین لحاظ باید که از لحاظ بنیه دفاعی برای تأمین امنیت ملی خود قوی باشد. در این راستا ایران نیاز دارد تا از لحاظ ساختار نظامی و سلاح قدرتمند بوده و همواره اقدامات لازم را جهت حفظ آنها در چارچوب اهداف معین شده به عمل آورد.

ثانیاً، ایران دارای تعداد قابل توجهی نیروهای مسلح نسبت به مقیاس منطقه می‌باشد. بیش از ۷۵۰ هزار نفر در ارتش، سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی به‌طور مستمر مشغول به خدمت‌اند که شامل بیش از ۳۰ لشگر، ۲۵ تیپ، ۲۰ اسکادران نیروی هوایی و غیره می‌گردد. کل نیروهای مسلح ایران دارای ۱۸۰۰ تانک - حدود ۱۷۰۰ خودرو زرهی و زره‌پوش، حدود ۶۰۰۰ توپ و خمپاره‌انداز، ۲۲۰ هواپیماهای جنگی، ۲۰ ناو جنگی و غیره می‌باشد. در ضمن اغلب سلاحهای ارتش از تولیدات کشورهای خارجی می‌باشد.

می‌خواهم اشاره کنم که وجود چنین نیروهای مسلح احتیاج به داشتن ارتباط وسیع و همه‌جانبه با کشورهای که تأمین‌کننده نیازهای ارتش ایران، نیروی هوایی، دریایی، زمینی و

سایر ارگانهای مسلح، به سلاح و تجهیزات و مهمات می‌باشند، دارد. بنابراین همکاری‌های نظامی ایران و روسیه ادامه می‌یابد و امید است که در همه زمینه‌ها این همکاری‌ها گسترش یابد. با توجه به تأسیس کمپانی‌ها و شرکتهای تولیدکننده سلاح در روسیه به نظر می‌رسد که بتدریج خط‌مشی‌های ایدئولوژیک به هنگام تصمیم‌گیری برای اینگونه همکاری‌ها کنار گذاشته خواهد شد و دیگر چنین عواملی که مانع همکاری می‌باشد وجود نخواهد داشت و انگیزه‌های بسیاری موجب گسترش همکاری‌های نظامی با ایران می‌گردد. به هر حال فکر می‌کنم که روسیه آن توان را دارد که بتواند بیشتر نیازهای ایران را تأمین کند. البته ناگفته پیداست که این امر احتیاج به خط‌مشی صحیح، اراده سیاسی و قراردادهای حقوقی معتبر دارد.

ثالثاً، ما امروز می‌توانیم بگوییم که توسعه همکاری‌های نظامی میان ایران و روسیه با زمینه‌های ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک منطقه مطابقت دارد. به عبارت دیگر این مطلب بسیار مهم و با اهمیت است که خود می‌تواند موضوعی برای تشکیل یک میزگرد دیگر باشد. اوضاع ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک روسیه و ایران چنان است که به‌طور عینی نیازمند مشارکت استراتژیک با یکدیگر در منطقه هستند. به نظر می‌رسد که تصمیم‌گیری در این زمینه می‌تواند تأثیر مستقیمی در آینده همکاری‌های بین ایران و روسیه از جمله در همکاری‌های نظامی بین دو کشور باشد. مسائلی که در این میزگرد به بحث گذاشته شد و دیدگاههایی که ارائه گردید به‌طریقی باید به اطلاع افراد مسئول وزارتخانه‌های روسیه که در گسترش روابط همکاری بین ایران و روسیه تصمیم‌گیر هستند رسانده شود.